پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (سی و دوم) دوشنبه ۲۹ میزان ۱۳۴۷ ه ۲۱ اکتبر ۱۹۶۸ ع

بیاد شهیدان ۳ عقرب

پرچم ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان، به مناسبت یادبود سومین سال شهدای 3 عقرب، به خاطره تابناک آن فرزندان مبارز وطن که جان‌های خود را در راه آزدی و طرد استبداد قربان کرده‌اند، به تمام وطن‌پرستانی که در راه تحول و دموکراسی فعالانه شرکت می‌کنند درود گر می‌فرستد و به مناسبت این روز المناک و به خاطر خون‌بهای شهیدان این روز تاریخی از تمام نیروهای ملی، دموکراتیک و ترقی‌خواه وطن‌پرست و از تمام روشنفکران، جوانان و محصلان آزادی‌خواه وطن دعوت می‌گردد که اتحاد و همبستگی خود را به اطر پیروزی نهضت دموکراتیک و ملی ضد استبداد و ضد ارتجاع و ضد امپریالیزم چون چشمان خود حفظ کنند و تفرقه، نفاق و تفتین را میان خود راه ندهند.

پرچم د افغانستان د خلکو د دموکراتیکو افکارو خپرونکیُ د عقرب د دریمی د شهیدانو په یادُ د وطن د هغو مبارزو زمنو د ځلاندی خاطری لپاره چه خپل ځانونه یی د آزادی او استبداد د طرد په لاره کښی قربان کړل، هغو ټولو وطن پالونکو ته چه د دموکراسی او تحول په لاره کی فعالانه ګډون کوی، تاوده درودونه استوی او ددی غمجنی ورځی او ددی تاریخی ورځی د شهیدانو د خون‌بها په خاطر، له تولو ملی، دموکراتیکو، ترقی غوښتونکو وطنپالو قوتونو او د هیواد له ټولو آزادی غوښتونکو منورینو، زلمیانو او محصلانو څخه غوښتنه کیږی چه د ضد استبداد، ضد ارتجاع او ضد امپریالیزم دموکراتیک ملی نهضت د کامیابی په خاطر خپل اتحاد او همبستګی لکه خپلی سترګی وساتی او جلاوالی، نفاق او تفتین پخپل مینځ کی پری نږدی.

درود کَرم به خلق ویتنام

د افغانستان د خکو دموکراتیک قوت د ویتنام له خلکو سره د پیوستون د هفتی په منسبت، امپریالیستی تو امریکایی تیری کوونکو د پلیدی جګړی پر ضد، د ویتنام د قهرمانو او مبارزو خلکو د عادلانه جګړی بشپړ ملاتر او طرفداری اعلاموی.

د ویتنام قهرمانو خلکو!

تا سو نړی والو ثابته کړیده چه کله یو ملت (که څه هم هر څومره کوچنی وی) د یوی عادلانه چاری او د آزادی د مقدس آرمان له پاره د دیرو ستر وقو تو نو پر ضد جنګیژی، نه ما تیدونکی دی!

ستا سو بری دهر راز ستاینی وردی! موږ د زره له کومی د ویتنام وطنپالونکو ته مبارکی وا یو چه ما تووونکی ګذارو نه دشمن ته ورکوی او موږ دی ویتنام د خلکو په قطعی بری د دوی په عادلانه مبارزه کی د متجاوز پر ضد بشپړ ډاډ لرو.

نیروی دموکراتیک خلق افغانستان به مناسبت هفتهٔ همبستگی با خلق ویتنام، پشتیبانی و طرفداری کامل خود را از پیکار عادلانه خلق قهرمان و مبارزه ویتنام علیه جنگ پلید امپریالیستی و تجاوز کاران امریکایی اعلام می‌دارد.

خلق قهرمان ویتنام!

شما به جهانیان ثابت کردید، که وقتی ملتی (ولو هر قدر کوچک هم باشد) برای امری عادلانه و آرمان مقدس آزادی علیه بزرگ‌ترین نیروها می‌جنگند، غلبه ناپذیر است!

پیروزی‌های شما شایان هر گونه تحسین است! ما از صمیم قبل وطن‌پرستانه ویتنام را تبریک میگوییم، که ضربات در هم شکننده‌یی بر دشمن وارد می‌آورند. ما به پیروزی قطعی خلق ویتنام در مبارزه عادلانه‌شان علیه متجاوز اطمینان کامل داریم!

بیرک کارمل

درس‌هایی از نهضت اعتصابی

کارگران کشور ما

نهضت چند ماهه اخیر اعتصابی کارگران کشور (بعد از اول می) مهمترین وظیفه‌یی را در برابر ما قرار داده است که از کلیه وظایف مهم دیگر به‌مراتب مغلق‌تر، مهمتر و پیشروتر است. درک درست و گرفتن درس صحیح ازین نهضت نوین امری‌ست بس ضروری و خلاق.

هم اکنون نهضت جوان کارگری وطن ما در معرض آزمایش دشوار قرار دارد و هرگاه کارگران ما از لحاظ ایدیولوژی و سیاسی حاضر السلاح نباشند، به مشکل می‌توانند ازین آزمایش تاریخی پیروزمندانه برون آیند.

طی چند سال اخیر شیفتگی عمومی جوانان تحصیل‌کرده و محصلان به تیوری علمی و ایدایولوژی طبقه کارگر و گرایش نسبی آنان به‌سوی کارگران (به‌موازات جنبش خود به خودی کارگران) در بیداری روح، زندگی و مبارزه کارگران کشور نقش قابل ملاحظه‌یی را ایفا کرده است که در نتیجه کارگران توانستند، خوشبختانه بدون سپری کردن دوره نهضت مطلقاً خودبه‌خودی طغیان‌امیز (حتی می‌توان گفت) پا به مرحله نهضت «آگاهانه» بگذارند. ولی مع‌الوصف نهضت اعتصابی اخیر کشور بیشتر شکل جنینی آگاهانه را دربر دارد و ناگزیر خالی از اشتباهات و نواقص نمی‌باشد، که به‌منظور در نظر داشتن و رفع آن‌ها در آینده جوانب نامساعد آن را به شکل فورلبندی شدهٔ زیرین یادداشت می‌نماییم:

- کارگران تجارب لازم در زمینه نهضت اعتصابی نداشت و مبارزشان با تشتت و پریشانی فکری همراه بوده است.

- نهضت بدون تشکیل و اتحادیه‌های کارگری و رهبری علمی و آگاهی سیاسی، حرکت می‌کرد.

- همبستگی و روابط مستحکم میان کارگران یک حوزه کارگری و سراسر کشور وجود نداشت و تاکنون ندارد.

- بعضاً طی اعتصاب، خواست‌های اقتصادی کارگران، به‌خصوص خواست‌های نهایی آنان، بدون مطالبه با قطعیت تام و به‌صورت فوری مطالبه می‌شد. به این معنی که کارگران بدون تفریق مطالبات حداقل و حداکثر خویش، شیوهٔ واحد مبارزه را در هر دو مورد تعقیب می‌نمودند و بعضاً در جریان اعتصاب و تظاهرات، شعارها از چوکات هدف معین مبارزه خارج می‌گردید. این وضع بهانه‌یی بود به دست ارتجاع، تا نه تنها به خواست‌های قانونی کارگران جواب مثبت ندهد، بلکه فرصتی را به دست آورد تا به سرکوبی آنان بپردازد.

- نهضت اعتصابی، تظاهرات خیابانی، راه‌پیمایی‌های مسالمت‌آمیز،

(ص ۲)

م.ا. خیبر

به خاطر هفته همبستگی با خلق ویتنام

از آغاز ظهور طبقات استثمارگر و استثمار شونده، بشریت شاهد هزاران جنگ و گواه قربانی صدها ملیون انسانی بوده که طبقات ستمگر برای تأمین منافع آزمندانهٔ طبقاتی خویش بر انسانیت تحمیل نموده‌اند. ولی در طول تاریخ کمتر جنگی وحشیانه‌تر، ظالمانه‌تر و ناروا‌تر از جنگ ویتنام دیده شده است. عظیم‌ترین نیروی جهان امپریالیستی با بیش از یک ملیون عسکر مسلح و مجهز با عصری‌ترین سلاح و تجهیزات، در برابر یک ملت خورد ولی قهرمان، مظلوم ولی مبارزه از برو بحر و هوا دست به تعرض زده و صحنهٔ کم نظیر ترور و آدمکشی را به بهانه دفاع از »آزادی و دموکراسی «بمیان آورده و سیلی از اشک و خون را در کشوری جاری ساخته است که جز آزادی، دموکراسی، صلح و ترقی، هیچ آرزوی ندارد، بر هیچ کس تعرض نکرده و نمی‌خواهد متعرض باشد. از همین‌جاست که جنگ ویتنام توفانی از نفرت و خشم مقدس همه بشریت مترقی و صلح‌دوست، روحانیون شریف، جوانان و روشنفکران و بالاخره همه افراد باوجدان و بشر دوست را علیه متجاوزین و متعرضین در تمام جهان، به شمول ایالات متحدهٔ امریکا، بر انگیخته است. ولی امپریالیم امریکا و هواداران آن علی رغم اعتراض افکار عامهٔ جهانیان و مردم شریف و صلح خواه امریکا، باوجود تلفات و خسارات سنگین مالی و جانی‌ای که بر می‌دارند، با لجاجت و بی‌باکی، با این جنگ تجاوز کارانهٔ خویش ادامه می‌دهند و روز به‌روز بر شدت و وسعت آن می‌افزایند. آنان حاضر نیستند به شکست‌های پیهم نظامی و سیاسی خویش اعتراف نمایند و به این جنگ باخته، خاتمه دهند.

امپریالیست‌ها موفق نیستند به بهانه‌های »خطر کمونیزم «و دفاع از »جهان آزاد «افکار عامهٔ جهان را فریب دهند و بر وی ماهیت تجاوز کارانهٔ جنگ ویتنام و اهداف شوم استعماری جدید خود پرده بیاندازند. ۱۵۰ نفر حقوقدانان از ۳۸ کشور جهان (به شمول امریکا) در کنفرانس »کَرینو بل «واقع در فرانسه، در ختم مباحثات خود راجع به جنبه‌های حقوقی جنگ ویتنام، طی اعلامیه‌یی اعلان نمودند که: »جنگ ایالات متحده در ویتنام، عبارتست از انکشاف اشکال مختلف مداخلهٔ امریکایی که سابقاً در آن کشور عملی گردیده است «در این اعلامیه راجع به اهداف امپریالیستی مداخله در ویتنام جنوبی و تبدیل آن به یک مستعمره، تیپ جدید و استعمال آن به حیث پایگاه، به غرض توسعهٔ عملیات به‌سوی شمال « می‌باشد.

هر کَاه کرونولوژی حوادث ویتنام از ۱۹۶۰ به این طرف تدقیق و مطالعه گَردد، به وضاحت معلوم می‌شود که آنچه باعث جنگ بین ایالات متحده و مردم ویتنام گردیده، مداخله امپریالیستی در ویتنام می‌باشد، نه به‌اصطلاح تجاوز از شمال. مقاومت شجیعانهٔ مردم ویتنام و

(ص ۳)

ضرورت اشتراک روشنفکران در سیاست

روشنفکران و جوانان در عرصهٔ کنونی جهان نقش روز افزون و با اهمیتی را در مسایل اجتماعی و سیاسی کشور ایفاء می کنند. این نقش در شرایط فعلی که مسایل اجتماعی پیچیده تر گردیده و تیز بینی، هوشیاری و تفکر سالم علمی را ایجاب می کنند، اهمیت بیشتری کسب مینمایند. گروهی از این قشر که از تیوری پیشرو عصر ما، ملهم گردید اند، در جریانات و نهضت های ملی و مترقی و حیات سیاسی فعالانه شرکت می ورزند. در حال که گروه دیگری از ایشان با پیروی از ایدولوژی های پوسیده و بورژوازیی در جبهه ضد منافع مردم قرار میگیرند. بهر حال طغیان و نارضایتی های جوانان و روشنفکران یکی از مسایل بغرنج اغلب کشور ها را تشکیل میدهد. بخصوص مسأله موقعیت و نقش جنبشهای روشنفکری در کشور های کم رشد، موضوع جدی و مورد بحث ماست. چه غالباً این جنبشها با نهضت های ملی و مترقی این کشور ها ارتباط و پیوند عمیق به هم میرساند. به همین جهت در برابر آنها از طرف حکومت ها و محافل ارتجاعی موانع و تضییقات سنگین ایجاد میگردد و تلاش میشود که به نحوی از آنحا جنبش های روشنفکری از نهضت های ملی و مترقی تجرید گردد و بر پایهٔ استدلال ضعیف و غیر علمی، روشنفکران مجرد و بی پیوند با جامعه معرفی گردند، تا نه توانند وظایف وطن‌پرستانه و دموکراتیک را که در برابر خود دارند، به انجام رسانند. نهضت های روشنفکری امروز با قرون گذشته تفاوت زیادی دارند، زیرا اکنون این نهضت ها در کشور های کم رشد غالباً در یک صف با نهضت های دموراتیک عمومی، خصلت ضد استعماری و ضد امپریالیستی را، علاوه بر خصوصیت ضد استبداد فیودالی حایز میباشد که هدف های مشخص چون تأمین و تحکیم استقلال ملی، ایجاد اقتصاد و فرهنگ منی را در برابر خود قرار میدهد و با ارتجاع داخلی و خارجی ضدیت دارد، در حالیکه در گذشته روشنفکران تنها در برابر دشمن داخلی عصیان می‌نمودند.

نهضت‌های روشنفکری کنونی حاوی خصوصیت‌هایی‌ست که از شرایط این کشورها نشأت نموده است، مثلاً وجود رکود اقتصادی، فقر و بیماری و بیسوادی که ارمغان استعمار برای ملت‌هاست، روشنفکران این کشورها را در مبارزات پیگیرتر از گذشته وارد می‌نماید.

(ص ۲)

د ملګرو ملتو په تولنه کی د پښتونستان مسأله

له شل کلن تعطل او تذبذب، وخت اړولو او د ډیرو قیمتی وختونو له بایللونه وروسته، د افغانستان، پښتونستان او بلوچستان د خلکو د عامه افکارو د شدید فشار له کبله او د افغانستان د ملی او مترقی قوتونو د زړورو مبارزو په نتیجه کښی او همدا راز د دیورند د تحمیلی کرښی نه ښکته، د پښتونستان د ملی آزادی بخشونکی نهضت د پیاوړی کیدو او پراختیا له کبله، به ملګرو ملتو کی د افغانستان نماینده مجبور شو، چه د ملګرو ملتو په عمومی غونډه کښی د پښتونستان د ملت د سرنوشت د ټاکلو د حق موضوع مطرح کاندی.

دی طرحی د پښتونستان مسأله، د افغانستان او پاکستان تر منځ د یوی متنازع فیها مسألی له حدودو څخه راوایسته او د ملګرو ملتو په ټولنه کښی یی په جهانی سویه د بحث مورد وګرزوله.

مور په داسی حال کښی چه د پاکستان د نماینده هذیان بی‌منطقه او استعماری «دفاعیه»وینا په کلکه سره ردوو، دا خبره د یادولو ور بولو چه استعمارچیان د تل لپاره پخپلو تر لاس لاندی ملتونو کښی ځینی عمال او خپل مزدوران ددی لپاره روزی او تقویه کوی، چه د استعمار د نطاق او بریځی په حیث د ملتونو په نمایندګی تظاهر وکړی او که ممکنه شی د یوی مرحلی لپاره د نړیوال ذهن وغولوی. مګر هغه ملتونه چه تر استعماری اسارت لاندی د ملی آزادی بخشونکو نهضتونو په ترڅ کی، انقلابی او ضد استعماری مبارزات پر مخ بیایی، حتماً او حتماً ددی استعماری مزدورانو له ځیرونه پرده پورته کوی او د

(۴ مخ)

زمونږ خلک جامی نلری

زمونږ خلک غذا نلری، تاتوبی نلری، روغتیا نلری، خو له دی سره سره جامی هم نلری:

داسی سیمی لا په هیواد کی شته دی چه خلک د حیواناتو پوستکی اغوندی.

په بدخشان، هزاره‌جات، ننګرهار، پکتیا او ځینو نورو سیمو کښی د بزګرانو او وزګارو خلکو د جامو حال ډیر خراب دی، پدی سیمو کی داسی وګړی ډیر دی چه یو جوړ جامی کلونه – کلونه اغوندی. پدی جامو کی دومره پیوندونه لګیدلی وی چه د اصلی ټوکر او پیوندونو تشخیص پکښی مشکل او حتی ناممکن وی.

د افغانستان د خلکو یوه ستره برخه د خوب په وخت کښی جامی باسی او لوڅ ځملی او دا ددی لپاره چه د جامو د زړیدلو مخه ونیسی.

د افغانستان زیات خلک بر بندی پښی ګرزی، حتی د پایتخت په واټونو کښی کله، کله هغه نارینه او ښځی لیدل کیږی چه یبلی پښی روان وی، کوچیانی میرمنی اکثره خپل اوږده موسمی مزلونه په لوڅو پښو تعقیبوی، کنډاوی او د خامو څرمنو سوګلی د افغانستان په کلیو کښی لا پوره د احتیاج وړ دی. د وطن په سړو سیمو کښی د تودو بوټونو او موزو د نه لرولو له کبله، د ژمی په موده کښی لاروی عیبی کیږی او د پښو او ګوتو د سوځیدلو په آفت اخته کیږی.

داسی پرګنی لا په هیواد کښی شته چه د یخنی په شپو کی خپل ماشومان د حیواناتو تر مرطوبو خوشیو او سرو لاندی یری باسی او پدی توګه یی له مرګه ساتی. په کلیو کښی زراعتی مزدوران د ژمی په شپو کښی د تودو جامو د نلرلو په علت، په غوجل کی له حیواناتو سره ځملی او پدی توګه ځان تودوی.

داسی خلک هم ډیر دی چه د سر خولی یی د خیرو پوټوتکی نیولی دی او د خولی اصلی رنګ یی په خیرو کی ورک شویدی.

د بدخشان په ځینو سیمو کښی داسی خلک شته دی چه په یوه کلی کښی په ګردو سره داغو ستلو له پاره څو محدودی جامی لری او کله چه کوم سرکاری سړی، سپایی یا پردی میلمه راشی بیا نو دا جامی یو یا څو تنه واغونډی او

(۲ مخ)

عضویت حزب راه آزادی که پرچم آنرا در دست گذاشته است

به سلسله مضمون طبقات و مبارزه طبقاتی

مبارزه طبقاتی
و همزیستی مسلمت‌آمیز

رویزیونیست‌های معاصر و دگماتیست‌ها ماهیت اصل همزیستی مسالمت‌آمیز را تحریف کرده و ادعا می‌نمایند که همزیستی مسالمت‌آمیز به معنی آشتی خصومت‌ها میان سوسیالیزم و سرمایه‌داری، و رد مبارزه طبقاتی و انقلاب سوسیالیستی می‌باشد.

نیروهای مترقی پیشرو، قهرمانان صلح و دوستی اند و به طور انرژتیک (فعالانه) مبارزه انقلابی و آزادی‌بخش ملی را به پیش می‌برند. مبارزهٔ انقلابی و رهایی‌بخش ملی با مبارزه در راه صلح مبانیت ندارد، چه تمام اشکال مبارزه باهم دارای ارتباط متقابل‌اند.

همزیستی مسالمت‌آمیز، نه خصومت (انتاگونیزم) بین سوسیالیزم و سرمایه‌داری را از میان برمی‌دارد و نه مبارزه طبقاتی را نفی می‌کند. نیروهای مترقی پیشرو معتقد به این امر اند که فقط مبارزه طبقاتی و انقلاب سوسیالیستی که عالی‌ترین شکل این مبارزه است، باعث انهدام سرمایه‌داری و ایجاد جامعهٔ جدید سوسیالیستی می‌گردد. ایشان تردیدی ندارند که همزیستی مسالمت‌آمیز برای مبارزه طبقه کارگر بین‌المللی علیه بورژوازی تسهیلات را فراهم می‌آورد، جنبش جهانی سوسیالیستی را بسط و توسعه می‌دهد و در امر انتقال سرمایه‌داری به سوسیالیزم کمک می‌نماید. به همین جهت در بیانیهٔ جلسهٔ ۱۹۶۰ اعلام گردیده است که «همزیستی مسالمت‌آمیز دول دارای سیستم‌های مختلف اجتماعی شکلی از مبارزه طبقاتی بین سوسیالیزم و سرمایه‌داری می‌باشد. »

یکی از تضادهای حاد سرمایه‌داری، تضاد میان کار و سرمایه است که در مبارزهٔ طبقاتی، در مبارزه بین پرولتاریا و بورژوازی متبارز می‌گردد. این مبارزه راه طولانی و دشواری را از عملیات پراگنده و منظم گروه‌های کوچک کارگران و در صبحگاه جنبش سوسیالیستی گرفته، تا نهضت‌های کارگری به مقیاس بین‌المللی، پیموده و با تشکیل سیستم جهانی سوسیالیزم، مبدل به مبارزه بین سیستم‌های سرمایه‌داری و سوسیالیستی گردیده است که تمام ساحه‌های فعالیت بشری – اقتصادی سیاسی و ایدیولوژیکی را دربر می‌گیرد.

محور مبارزه بین دو سیستم را رقابت مسالمت‌آمیز اقتصادی بین سرمایه‌داری و سوسیالیزم به مقیاس جهانی تشکیل می‌دهد که این رقابتی‌ست به خاطر بلندترین آهنگ‌ها و پیمانهٔ رشد صنعتی و فرهنگی. با تکامل خود، این مبارزه نشان می‌دهد که فقط سوسیالیزم قادر به ارضأ خواست‌های مادی و فرهنگی روزافزون خلق می‌باشد.

سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز به شکل مبارزه سیاسی بین دو سیستم (با پشتیبانی همه‌جانبهٔ کشورهای سوسیالیستی از تمام اشکال مبارزه برای آزادی اجتماعی و ملی برای دموکراسی و سوسیالیزم) تبارز می‌کند. این سیاست راه را جهت مبارزه خلق کارگر کشورهای سرمایه‌داری علیه استثمار هموار می‌سازد، که مؤفقیت آن با جنبش وسیع اعتصابی در کشورهای سرمایه‌داری و با رشد بین‌المللی سوسیالیستی و کارگری ثابت گردیده است.

همزیستی مسالمت‌آمیز مبارزه آزادی‌بخش ملی را کمک می‌نماید، و در دوران صلح بسیاری از کشورهای آسیایی و افریقایی آزادی خود را از تحت تسلط استعمار به دست آورده‌اند، انقلاب خلق در کیوبا به پیروزی رسید و خلق‌های آزاد شده امکان آن را به دست آوردند که حیات ملی شان را تجدید نمایند و در تعقیب طریق رشد غیرسرمایه‌داری به پیشرفت‌هایی نایل آیند.

باید خاطرنشان ساخت، به همان پیمانه‌یی که همزیستی مسالمت‌آمیز زمینه مساعد را برای مبارزه طبقاتی در کشورهای سرمایه‌داری و برای جنبش رهایی‌بخش ملی در کشورهای مستعمره و وابسته ایجاد می‌نماید، دست‌آوردهای مبارزه طبقاتی و جنبش رهایی بخش ملی نیز به امر تحکیم همزیستی مسالمت‌آمیز کمک می‌کند.

(ترجمه)

از (ص اول)

ضرورت اشتراک روشنفکران ...

نکته قابل توجه این‌که: چون جذب تمام روشنفکران از توان دولت‌های پوسیده خارج است و ارضای ملی و واقعی نیازمندی‌های قشرهای تحصیل کرده به نسبت عدم هماهنگی اقتصاد عقب‌مانده میسر نمی‌باش، لذا زمینه برای گرایش روزافزون آن‌ها به جنبش آماده می‌گردد. از جانب دیگر روشنفکر امروز شاهد مداخله‌های آشکار و پنهان امپریالیزم و ارتجاع بین‌المللی در امور کشورهای خود و کشورهای دیگر است. تعرض و مداخله امپریالیزم در امورد داخلی و بر حاکمیت ملی این کشورها و ایجاد اختناق در ساحهٔ ملی، توسط ارتجاع و هواداران داخلی امپریالیزم، روشنفکران و جوانان این کشورها را ناگزیر به پشتیبانی از جنبش دموکراتیک و ملی می‌کشاند و عده‌یی از ایشان ایدیولوژی طبقه کارگر را فراگرفته و در عمل مبارزه به دفاع از موقف و منافع طبقات استثمارشونده و محروم این کشورها اشتراک می ورزند و در همین موقعیت است که از حمایت خلق‌ها نیز برخوردار می‌گردند.

ولی بالعکس آن گروهی از «روشنفکران»که در موقف ضد منافع مردم و در دفاع از ارتجاع داخلی و امپریالیزم سقوط می‌کنند، محکوم خلق و تاریخ‌اند.

روشنفکر به‌صورت عمومی علاوه بر ساحه ملی، در ساحه بین‌المللی نیز در جهت حفظ صلح و تحکیم روابط دوستانه بین ملت‌ها مسؤولیت‌هایی دارند. سازمان های چون فدراسیون جهانی دموکراتیک جوانان، فدراسیون بین‌المللی محصلان، جمعیت بین‌المللی هواداران صلح، شاهد فعالیت‌های بین‌المللی روشنفکران است.

تاریخ مبارزات ملی ما مبین این حقیقت است که روشنفکران وطن‌پرست کشور در چندین مرحله از نهضت ضد استبداد، ضد ارتجاع و ضد استعمار فعالانه اشتراک ورزیده‌اند. اکنون که جنبش دموکراتیک عمومی ضد فیودالیزم و ضد امپریالیزم وطن ما به مرحله نوینی از رشد و تکامل خویش وارد می‌گردد، از همه بیشتر لزوم شرکت فعال روشنفکران آزادی‌خواه و وطن‌پرست کشور را در سیاست و نهضت دموکراتیک و ملی در یک جبههٔ وسیع، در دفاع از منافع خلق افغانستان ایجاب می‌نماید.

ع. نیمروز

(دلومړی مخ پاتی)

زمونږ خلق جامی ...

هغوی ته راوزی. او یا دا چه کوم کلیوال لرې سیمو ته د تګ ضرورت پیدا کاندی نو دغه مشترکی جامی واغوندی او دغه مشترکی جامی واغوندی او له کلی نه وخوځیږی.

ختما او نور وطنی ټکران زمونږ د خلکو متوسطه جامه دهٔ مګر له بده مرغه چه همدا وطنی جامی هم د امریکایی زړو لیلامی جامو د ترویج په اثر ورځ تر ورځ له رواجه لویږی او هغه لاسی صنایع چه مونږ د تیرو نسلونو ضرورتونه به یې پوره کول د همدی خارجی زړوکو د زیات ورود له کبله، شنډه شوئ او همدا اوس چه دا لاسی صنایع په مرګ محکوم دئ امپریالیزم او د هغه داخلی دلالان قدم په قدم ددی زړو لیلامیو بیه زیاتوی او همدا اوس ددی ورستو ټوکرانو سطحی ته رسیدلی ده.

په هیواد کښی د ننه د نساجی ماشینی صنایع له امپریالیزم سره د رشوت خورو بروکراتانو او سود خورو دلالانو د مرستی له کبله مخ په سقوط ځی او نشی کولای چه د ګمرکی حمایی د نښتوالی سره سره له خارجی مالونو سره رقابت وکړی.

دی لپاره چه دولت په کلی توګه د داخلی نساجی صنایعو په باره کښی سم پروګرام او حمایوی سیاست نلری، نو داخلی نساجی داسی وده نشی کولای چه د خلکو اړتیاوو ته مثبت ځواب ورکړی.

د جامو په برخه کښی چه د انسانانو یوه لومړنی اړتیا ده زمونږ عقیده دا ده، چه تر څو د نساجی صنایع ملی نشی او ګمرکی حمایه ورسره نه وی او تر څو د امپریالیزم د بی جلبه وارداتو په مقابل کی د هیواد د ماشینی او لاسی نساجی سم پروګرام طرح نشی او اوسنی اجتماعی مناسبات د نویو غوښتنو سره سم تغییر ونکړی، هیڅکله به زمونږ بربنډ او بی وزله خلک په تن پټ نشی.

سلیمان لایق

خلق پیروز می‌شود

نیروای ارتجاعی و ستمگری که در کشور ما صاحب قدرت اند، هر روز برای بقای حیات طفیلی و دفاع از منافع غارتگرانه خویش دسیسه‌های جدیدی می‌افرینند و در برابر رشد جریانات مترقی و دموکراتیک موانع تازه‌یی ایجاد می‌کنند. آن‌ها که بسط و توسعه جنبش نجات‌بخش ملی و شعور سیاسی و طبقاتی توده‌ها سخت در هراس اند، برای جلوگیری از این پروسه رشدیابنده تلاش‌های فراوان می‌نمایند و در این راه هیچ وسیله‌یی را فراگذاشت نمی‌کنند.

سعی می‌ورزند تا عناصر مترقی، مبارزان ملی و صدیق‌ترین و بهترین فرزندان مردم افغانستان را به عناوین مختلف بدنام سازند، بر آن‌ها چاپ‌های گوناگون می‌زنند، اتهام می‌بندند، دروغ می‌بافند و واقعت ها را تحریف می‌کنند، تا بدین‌وسیله مبارزان دلیر و سرسپردهٔ راه نجات خلق کشور را از توده‌ها و نظرات مختلف ارتجاعی و مسموم کننده را به غرض گمراهی توده‌ها انتشار می‌دهند و ماهئیت پدیده‌ها و پروسه‌ها را قلب نموده، غیر از آن‌چه در واقع است می‌نمایانند، تا مردم را فریب دهند و تحمیق نمایند. حتی نماینده‌گان مزدور خود را در بین مردم می‌فرستند تا با پخش افکار انحرافی خویش جنبش را به کوره راه بکشانند.

در برابر عناصر آگاه جامعه از تطمیع، تخویف، تهدید و فشار، تا وارد آوردن بزرگترین ضربات دریغ نمی‌نمایند، تا از این راه یا وجدان‌شان را آلوده سازند و یا آن‌هاب را بترسانند و از اشتراک در پرکتیک (عمل) مبارزه اجتماعی به نفع زحمتکشان بازدارند.

در فابریکه‌ها، در ادارات و مؤسسات دولتی، در تشبثات خصوصی، در کانون‌های فرهنگی، عرفانی و علمی و غیره، اشخاص شریف و ملی را به نام «عناصر نامطلوب، تخریبکار و اخلال گر نظم جامعه «از کار، تحصیل و تأمین معاش محروم می‌سازند و حتی آن‌ها را در محاکمه‌های دستوری به جزایهای مختلفی محکوم می‌نمایند.

علاوتاً دستگاه حاکمه ارتجاعی افغانستان، که دایماً در خدمت طبقات استثمارگر جامعه قرار داشته‌اند برای آن که این اعمال ضد ارزش‌های مصرح در قانون اساسی و ضد انسانی و ضد آزادی‌های دموکراتیک خود را شکل به‌اصطلاح «قانونی»بدهند، بر اساس اراده‌های شخصی و خواست‌های طبقاتی خویش تلاش می‌ورزند، تا ساحه مبارزات سیاسی و اشتراک در فعالیت‌ها و تعیین سرنوشت آینده را بر مردم تنگتر و عمر ارتجاع، استبداد، استثمار و فساد را چند روزی طولانی‌تر ساخته باشند.

واقعیت این‌ست که منافع طبقاتی حدودی نمی‌شناسد. مردم افغانستان بر جبین این اعمال خودسرانه ضد دموکرایک و ضد منافع مردم کشور داغ باطل می‌زنند و آن را دلیرانه محکوم می‌نمایند.

باید خاطر نشان ساخت که راه جنبش رهایی‌بخش و نهضت ملی و دموکراتیک کشور را نمی‌توان با هیچ مانعی سد کرد. توده‌ها هر روز آگاهی بیشتر می‌یابند و برای مبارزه تجهیز می‌شوند. طبقات ارتجاعی و ستمگر جامعه که خلق‌های وطن ما را بی‌رحمانه می‌چاپند محکوم به ذولند.

این قانون تکامل جوامع انسانی است و قوانین عینی بنده آرزوهای فردی و اراده‌های ذهنی اشخاص نیست. نقش اشخاص در قبال این پروسه عینی فقط می‌تواند برای کند ساختن و یا تند نمودن آن مؤثر باشد.

ما ایمان کامل داریم که خلق افغانستان و نیروهای مترقی و پیشرو آن در پرتو جهان‌بینی علمی راه خود را از میان همه موانعی که ارتجاع مکار و حیله‌گر، سیاه و ستمگر در راه آن ایجاد می‌کند، به‌سوی پیروزی، به‌سوی هدف نهایی و به‌سوی تحقق آرمان‌های عالی و مقدس خلق خواهد گشود.

برای نیل به این آمال بزرگ وظیفه حکم می‌نماید که هیچگاه زنجیر اصولیت را در جریان مبارزه و نهضت از دست ندهیم، روابط دیالکتیکی در بین قطب‌های مبارزه را دقیقاً تشخیص داده و آن را به صورت خلاق در شرایط مشخص جامعه ملی خویش به کار ببریم.

ب. رنجبر

از (ص اول)

درس‌هایی از نهضت اعتصابی ...

بدون در نظر گرفتن زمان لازم، بیش از اندازه طول می‌کشید و بعضاً کارگران در وضعی قرار می‌گرفتند که تکلیف خود را نمی‌دانستند و نیروی مقاومت ر از دست می‌دادند.

- بعضی اوقات در اثر مداخلات نادرست و غیراصولی جریانات مختلف سیاسی و بنا بر اختلاف میان آن‌ها، به‌خصوص فتنه‌انگیزی ارتجاع در زمینه، موجب آن می‌گردید که کارگران به جهت‌های مختلف سازش‌کاری راست و ماجراجویی کشانیده شوند ودر نتیجه ارتجاع فرصت می‌یافت که به غرض ایجاد بدبینی و تولید یأس در میان کارگران به تفتین بپردازد.

با وصف این‌که در جریان نهضت اعتصابی اخیر کشور نواقصی اجتناب ناپذیر در اوضاع و احوال کنونی - در کار بود اما با افتخار باید یادآور شد که این نهضت در مجموع خود مشحون از شور و شوق مبارزه، درس‌های آموزنده و گران‌بها، درخشان و خلاق بوده است.

درس‌های آموزنده، پرافتخار و درخشان نهضت جوان اعتصابی کشور:

- به‌طور کلی کارگران در اعتصاب (در شرایطی که فتنه‌انگیزی نمی‌توانست میان کارگران رخنه کند) از خود چنان انضباط کارگری، همبستگی، برادری، رفاقت، نظم، اصولیت، هشیاری، دلیری و قهرمانی نشان می‌دادند که شاید در تحت شرایط مشابه کمتر نظیری در جهان داشته باشد.

- در جریان اعتصاب و تظاهرات مسالمت‌آمیز خیابانی نمونه‌هایی از همبستگی کارگران با دیگر طبقات و اقشار دموکراتیک اعم از دهقانان، پیشه‌وران، روشنفکران به ملاحظه رسیده است که در تحت شرایط مشابه بازهم در جهان کم‌تر سابقه دارد.

- بعضاً در نهضت اعتصابی مسالمت‌آمیز کشور، مطالبات اقتصادی با مطالبات سیاسی توأم می‌شد، که البته از لحاظ شرایط و تاکتیک باعث تحریک ارتجاع می‌گردید، ولی از لحاظ دورنمای آینده نهضت کارگری کشور طلاییهٔ درخشان و با عظمت مبارزه را نشان می‌داد و درک مأموریت تاریخی، قدرت پیش‌آهنگی و صلاحیت رهبری طبقه کارگر (پرولتاریا) ی کشور را در نهضت دموکراتیک و ملی آشکار می‌ساخت.

این‌ها درس‌های بزرگ، پرافتخار و گرانبهایی‌ست از نهضت اعتصابی وطن ما!

جهت تصریح موضوع باید خاطرنشان ساخت، بارها به ملاحظه رسیده است که وقتی نهضت مسالمت‌آمیز اعتصابی تبدیل به تظاهرات و مارش‌های مسالمت‌آمیز خیابانی گردیده است، دیگر زحمتکشان شهر و ده و روشنفکران نیز به‌سوی کارگران رو آورده‌اند. کارگران آگاه و روشنفکرانی که به تیوری مترقی و ایدیولوژی طبقه کارگر معرفت نسبی داشتند، چنان قدرت رهبری و پیش‌آهنگی بی‌نظیر و آموزندیی از خود نشان داده‌اند که باعث اعجاب و شتایش عموم گردیده و حتی در بعضی قسمت‌ها آن را وادار به عقب‌نشینی و مجبور به قبول مطالبات اقتصادی کارگران گردانیده است.

حمله ارتجاع به نهضت اعتصابی کارگران:

بعد از این که نهضت اعتصابی و تظاهراتی مسالمت‌آمیز و قانونی کارگران کشور طی پنج ماه (در حدود چهل اعتصاب و تظاهرات و مارش صورت گرفت و در آن بیش از سی هزار کارگر صنعتی، معدنی و ساختمانی شرکت فعال داشتند) موقتاً فرونشست، هیأت حاکمه ارتجاعی دست به اقدامات آتی زد:

- با ایجاد فضای اختناق و فشار بی‌سابقه، تمام مراکز کاری را تحت نظارت دقیق قرار داد.

- اغلب خواست‌های قانونی و تعهداتی که کارفرمایان و آمرین پروژه‌ها و والی‌ها و نماینده‌گان محلی حکومت و حتی وکلای شوری سپرده بودند، زیر پا گذاشته شد.

- در حدود بیش از هفتاد کارگر آگاه از فابریکه جنگلک، مطبعه دولتی، فابریکه نساجی گلبهار، فابریکه سپین زر قندز، پروژهٔ نفت و گاز شبرغان و غیره به‌طور غیرقانونی به اشکال توطیه آمیز بازداشت و یا به محاکمه‌های دستوری کشانیده شدند.

- در حدود بیش از (۶۰۰) کارگر آگاه، تکنیسین، انجنیر و کارگران شعبات از کار اخراج و به لشکر تقریباً صد هزاری کارگران ماهر و نیمه ماهر بی‌کار و بینوا سوق داده شدند.

- ساده‌ترین حرکات رفت و آمدهای کارگران تحت تعقیب قرار گرفت.

- هرگونه وسایل به کار برده شد تا در اثر تحقیر، توهین، تعذیب جسمی تهدید، فشار و آزار کارگران را به تسلیم وادارند.

- «فهرست سیاهی» از کارگران آگاه ترتیب و به اغلب مؤسسات تولیدی و ساختمانی اطلاع دادند تا به آنان کار داده نشود.

رهنمودهای مبرم روز برای نهضت کارگری:

مسلم است که ماهیتاً هیأت حاکمه ارتجاعی کشور نسبت به طبقات زحمتکش و در رأس آن‌ها طبقه جوان کارگر از خود کینه خاصی نشان می‌دهد و در هر مورد و در هر زمینه به‌محض این که خود را با اجتماع قانونی و مسالمت‌آمیز خلق کارگر مواجه ببیند، بدون تردید به دسیسه و اختناق و حتی به نیزه توسل می‌جوید. لذا از آن جایی که هنوز تناسب قوا از یکسو به نفع ارتجاع سیاه کشور است و از سوی دیگر نهضت کارگری کشور از لحاظ کمی و کیفی و فوق‌العاده جوان می‌باشند و تاکنون به مدارج لازم رشد سیاسی و طبقاتی خود نایل نیامده است، لازم می‌افتد که با فراگرفتن درس‌ها و

(ص ۳)

بار سنگین مالیات

به‌دوش خلق است

نظام موجود مالیاتی باید تعدیل شود

نظام مالیاتی موجود در کشور در مجموع خود با منافع خلق هیچگونه هم‌آهنگی ندارد. بار سنگین مالیات غیرمستقیم هر روز فشار بیشتر بر دوش خلق کشور وارد می‌آورد. مالیه دهندگان اصلی مالیات غیرمستقیم، اکثریت عظیم توده‌های مردم اند. ولی از آن‌جایی که مردم از پرداخت آن آگاهی صحیح ندارند، هیأت حاکمه پیوسته تلاش می‌ورزد تا میزان آن را به‌طور روزافزون بالا برد و کسر در عواید دولت را ازین محل تلافی نماید.

محصول و عوارض گمرکی بر اموال وارداتی که قسمت عمده عواید دولت را تشکیل می‌دهد، از طرف تاجر پرداخته نمی‌شود، بلکه به وسیله تاجری که بین مولد و مستهلک دلالی بیش نیست، از طرف مصرف‌کننده گان که توده‌های مردم اند، حصول می‌گردد. همچنان عواید حاصله از طریق فروش اموالی که در انحصارات دولت است، نیز قابل ملاحظه می‌باشد. معمولاً این گونه اموال مانند پترول شکر و غیره از قیمتی که به مردم فروخته می‌شود به مرتب ارزان‌تر به دست دولت می‌رسد، اما جهت تأمین سود بیش‌تر چند برابر قیمت تمام شد بر مردم تحمیل می‌گردد.

مالیات غیر مستقیم به سود ثروتمندان و زیان مردم بی‌چیز تمام می‌شود؛ زیرا قسمت اعظم آن به شکل محصولات گمرکی، محصولات انحصاری، مالیات بر فروش و غیره معمولاً بر اجناسی تعلق می‌گیرد که مورد نیاز و مصرف عامه است و احتیاج ثروتمند و فقیر در مورد آن‌ها تفاوت زیادی ندارد.

مثلاً یک خانواده ثروتمند با عاید حد اوسط روزانه هزارها افغانی و یک خانواده عادی کارگر روزمزد با عاید روزانه 25 – افغانی، چای، شکر، نمک، صابون و دها جنس دیگر لازمی برای ادامه زندگی را، باید تقریباً یک برابر یا با تفاوت کوچک به مصرف برسانند و با آن که عواید آن‌ها نامساوی است، ولی درین صورت هر دو به یک اندازه مالیات خواهند پرداخت.

سنگینی بار عواید ناچیز و شرم‌آور دولت که از طریق مالیات مستقیم در نظر گرفته شده است، قویاً به دوش زحمتکشان و صاحبان دارایی‌های کوچک می‌افتد. چه فقط این‌ها هستند که نمی‌توانند از پرداخت آن شانه خالی کنند. اما طبقات دارا و ثروتمند (ملاکین فیودال، نمایندگی‌ها و کمپنی‌های خارجی و داخلی، تجاربزرگ داخلی و خارجی، صاحبان عواید بزرگ از درک کرایه منازل، آپارتمان‌ها، سرای‌ها و غیره) به اشکال و حیل گوناگون از پرداخت مالیات گریز می‌نمایند، مثلاً تاجری که باید یکصد هزار افغانی مالیات بپردازد با تأدیه دو سه هزار افغانی رشوه و ترتیب اسناد جعلی و غیره می‌تواند از پرداخت آن سرباز زند، در حالی که دست زدن به چنین عملی از طرف یک مودی کوچک با مقدار مایه دهی مثلاً به اندازه یک هزار افغانی میسر نیست، زیرا او نه جرأت آن را دارد که به چنین عملی دست زند و نه برای وی صرفه‌یی دارد. اگر قرار باشد مالیه دهنده گان کوچک (که تعداد ایشان بسیار زیاد است و از طریق مالیت آن‌ها قسمت اعظم عواید دولت از ناحیه مالیات مستقیم و غیرمستقیم تأمین می گردد) نیز از زیر بار مالیات گریز نمایند، درین صورت مجبور خواهند بود که بیشتر از مقدار مالیه‌دهی، علاوه بر دردسرهای گوناگون و توان فرسا که برای آنان درست خواهد شد، رشوه بپردازند. همچنان مالیات ناچیزی را که به تناسب عواید، ثروتمندان هم می‌پردازند از طریق کار و حاصل دسترنج توده‌های عظیم مردم تأمین می‌گردد. پس این‌ها – خلق‌ها هستند که مالیه دهندگان اصلی جامعه اند.

در سال‌های اخیر چون بازار احتکار و سفته بازی خیلی‌ها رواج یافته و مایحتاج عموم مردم در دست ملاکین بزرگ ارضی، محتکرین سودخوران و تاجران دلال می‌باشد، لذا آخرین رمق بینوایان بر اندوخته‌های نامشروع پارازیت‌ها و مفت خوران جامعه هر روز بیشتر از روز پیش افزوده می‌گردد، بدون آن که هیچگونه مالیات قابل توجهی ازین بابت عاید خزانه دولت گردد.

معهذا به‌منظور تأمین حد بسیار اقل «عدالت»در این زمینه، باید هرچه زودتر با در نظر گرفتن عواید توده‌ها سیستم مالیات در کشور به‌صورت بنیادی به نفع توده‌های مردم تعدیل گردد و بار سنگین مالیت غیرمستقیم از دوش مردم برداشته شده و به مالیات مستقیم و من‌جمله مالیات بر عایدات اهمیت درجه اول داده شود، مالیات تصاعدی وضع گردد و از صاحبان دارایی‌ها و عواید بزرگ مالیات لازم اخذ گردد.

غرجستانی

بوره

د «زواکی » کلی نه نیږدی، د «پارک » د خوږ په غاړه د کوچیانو یوه کوچنی کلی اړوولی وو. بی کوره او سرګردانه خلکو په بی څښتنه ځمکو باندی للمی کرل او د پسرلی شپی ورځی یی د باران په هیله همدلته تیرولی.

هیڅوک نه پوهیدل چه باران او ځمکه به دی الویز اندوه او بی تاټوبی پونده ووته د خپل سخاوت له خزانو ځخه ځه راوباسی که یه!

کله به چه د پراخ او هوار لویدیځ په سینه باندی د غروب سور پرونی وغوړیده، لمونځ ګذارو بښځو به خپل سرونه سر تور کړل او خدای ته به یی د باران سوالونه کول.

سخت کال راغلی و، میږی به نه مړیدی او غواوو به له لوږی رمبارې وهلی.

خلوکو به ویل چه دا قحطی د آخرزمان علامه ده او قیامت را نیږدی شویدی.

د ژوند نه ټول نامینده شوی وو، هرچا به د آخرت دعا کوله. په کلی باندی ورځ تر ورځی دویری او یأس تیاره غوړیدله او له دی تیاری سره هر څه بدلیدل. یوازی د کلی د ماشومانو یارانه او هلی ځلی یو راز پاتی وی. بر بندِ ماشومان به له لمر ختو تر لمر لویدو پوری د کیږدیو خواته په لوبو بوخت وو او مندی را مندی به یی وهلی.

یوه ورځ چه په آسمان کی توری وریځی را پیدا شوی وی او سوړ باد چلیده، ماشومان تر یوی کیږدی لاندی راغوند شوی وو، د مندو ځای خبرو او خندی ونیو او مرکه پسی توده شو، سوګل چه لکه سپین کړی ژنغوزی لوځ لپږو، د ملګرو مینځ ته یی ور ټوپ کړل: غلی شئ، غلی شئ، زه یوه پوښتنه کوم!

- نر هلک او ښه ملګری و ټولو غوږ ورته ونیو – دا زموږ خان څه شی خوری؟

هلکانو شور بګت جوړ که. یوه ویل لغن. بل ویل غوښه، دریم ویل شودی غوړی چا ویل یوڅه او ځینو ویل شوروا.

سورګل د نفی سر وښوراوه او وی ویل دا ټولی خبری درواغ دی. ګردو ماشومانو په یوه آواز وویل: نو ته وویه، ته وویه!

سورګل چه د غرور احساس ور پیدا شوی و، په جدی او قاطع لهجه یی وویل: بوره!

هلکانو په چوپتیا کی یو بل ته سره وکتل او تورپیکی سمدستی پوښتنه وکړه: بوره څه شی دی؟

سورګل وویل: بوره سپینه خووه شګه ده، په خوله کی ویلی کیږی او چه لمر ته یی ونیسی لکه بکره ډبره ځلیږی.

نه کلن پردل چه غتی توری سترګی یی په اسکیرلی مخ کی لکه سوی عقیق ځلیدلی، د کیږدی له بری خوا نه را ټوپ کړل، د سورګل مخ ته ودرید او په ګړندی لهجه او سوی سایی وویل: بوره ډیره خوږه ده، تر ګوړی هم خوږه ده، کانه!

سورګل د تایید او منی سر وښوروه.

لاجمیر سورګل ته ور نیږدی شو او په نیولی آواز یی وپوښته: تا بوره لیدلی ده؟

هغه وویل: هو ما لیدلی ده.

- دا بوره ونی لری که بوټی؟

ټولو ناری کړی ونه، ونه،! یوازی سپاندی ورو غوندی وویل: بوټی.

سوګل وخندل نه نه دا ټول درواغ دی. ما می له آبا نه پوښتنه کړیدهٔ هغه راته ویل: دا په نیکمرغو خلکو باندی لکه واوره له آسمانه راووری.

ټولو دا خبره و منله خو په دوی کی د بوری د لیدلو او خوږلو هوس پیدا شوږ

سورګل وویل: که خدای زما ادی بیا ناجوړه کړه او ابا بل وار کورته بوره راوړهُ ټول به خبر کړم چه زموږ کیږی ته راشی او ویی ګوری.

سپنتا

از (ص اول)

به خاطر هفته همبستگی ...

فتوحات درخشانی که جبههٔ ملی آزادی‌بخش ویتنام جنوبی به دست آورده، به‌طور واضح دلالت بر تجرید متعرض و متحدین آن می‌نماید و نشان می‌دهد که جبههٔ ملی آزادی‌بخش ویتنام جنوبی یگانه نمایندهٔ واقعی مردم ویتنام جنوبی می‌باشد که از سال ۱۹۶۰ به این‌طرف مبارزه و جنگ مردم ویتنام جنوبی را با اتحاد برادرانهٔ ویتنام شمالی می‌کند.

در اعلامیهٔ«گرینوبل»گفته می‌شود که مداخله نظامی امپریالیزم در ویتنام«جنگی‌ست تجاوزکارانه و جنایتی‌ست علیه استقلال و موجودیت مردم ویتنام.»

ویتنام شمالی کشوری‌ست مستقل که بمباردمان آن از طرف طیارات امریکایی، تجاوز صریح بر حقوق بین‌الدول محسوب می‌گردد و مسؤولیت شدیدی را علیه عاملین آن متوجه می‌گرداند.

امپریالیزم بارها اعلان نموده است که در جستجوی «صلح شرافتمندانه»در ویتنام می‌باشد ولی فراموش می‌کند که ادعای صلح شرافتمندانه صرف وقتی موضوع بحث شده می‌تواند که یک جنگ عادلانه در بین باشد، جنگی را که امپریالیست‌ها در ویتنام پیش می‌برند، نه ز نظر حقوقی و نه از نگاه اخلاقی یک جنگ عادلانه می‌باشد و از طرف مردم شریف امریکا نیز به آن عنوان جنگ پلید داده شده است. یگانه راه تأمین صلح شرافتمندانه در ویتنام این‌ست که امپریالیست‌ها هرچه زودتر به مداخله غیرقانونی در آن کشور خاتمه دهند.

زمامداران امریکا و نمایندگان آن در کنفرانس صلح پاریس پیوسته می‌گویند که در صورتی بمباردمان ویتنام شمالی را قطع خواهند نمود که ویتنام شمالی عکس‌العمل مشابهی از خود نشان بدهد. هیأت کمیته حقوقدانان امریکا طی یادداشتی به کنفرانس «گرینوبل»بی‌پایه بودن همچو تقاضا را از طرف حکومت امریکا کاملاً آشکار ساخت. در یادداشت حقوقدانان امریکا گفته می‌شود: از آنجا که بمباردمان ویتنام شمالی یک عمل غیرقانونی است، تقاضا عمل مشابه از ویتنام شمالی هیچگونه اساس و بنیاد حقوقی ندارد. باید متعرض بدون قید و شرط به تعرض خود خاتمه دهد.

نیروی دموکراتیک خلق افغانستان به تأسی از سنن پر افتخار مبارزات ضد استعماری و ضد امپریالیستی خلق‌های وطن واحد خود به تأیید و پشتیبانی از فیصله کنفرانس اضطراری سازمان همبستگی ملل آسیا و افریقا در قاهره و عکس‌العمل مثبت در برابر خواست شورای جهانی صلح، همبستگی کامل خود را با خلق قهرمان ویتنام اعلام می‌دارد و یقین کامل دارد که مبارزات دلیرانهٔ خلق مبارز ویتنام سرانجام پیروز می‌شود و هیچ قدرتی، ولو هرقدر بزرگ هم باشد، نمی‌تواند جلو پیروزی نهایی جنبش آزادی‌بخش خلق ویتنام را بگیرد. این پیروزی حتمی است، نه صرف ازآن‌جهت که مردم ویتنام در راه حق قانونی خویش جنگ عادلانه‌ای را پیش می‌برند، بلکه از جهتی که ملت ویتنام درین مبارزه عادلانه و پیکار مقدس ملی خویش تنها نیست. در پشت سر خود تأیید، حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی همه بشریت ترقی‌خواه و صلح‌دوست سراسر جهان و دوستان صدیق و قدرتمند خود را دارد.

از (ص ۲)

درس‌هایی از نهضت اعتصابی ...

تجارب گران‌بهایی که از نهضت اعتصابی و تظاهرات مسالمت‌آمیز کارگران وطن به دست آمده خط مشی جاری فعالیت کارگران، در جهت اصول مطالبات شان روشن گردد:

به عقیده ما در وضع کنونی می‌توان برخی رهنمودهای مشخص و مبرم ذیل را برای قوتمندی مجدد نهضت کارگری کشور طرح کرد که بر حسب آن‌ها کارگران و عناصر آگاه وطن مطابق به تجارب خود می‌توانند فعالیت خویش را استواری بخشند.

- باید به درجهٔ اول میان خواست‌های فوری مطابق به قوانین موجود خواست‌های عمده‌تر بعدی کارگران فرق گذاشت.

به این معنی که خواست‌های قانونی را باید شعار فوری قرار داد، ولی خواست‌های دیگری را که تاکنون در چوکات قانون کشوری آورده نشده است، به درجهٔ دوم در دستور مبارزه گنجانید، تا دولت ناگزیر به وضع قوانین دموکراتیک و مترقی کار و کارگری گردد. مبارزه در راه قسمت اخیرالذکر مطالبات باید با پیگیری و تحمل، با هوشیاری کارگری صورت گیرد و زمان لازم مبارزه برای آن در نظر گرفته شود.

- طبق مادهٔ ۳۲ قانون اساسی، کارگران آگاه باید از همه اول‌تر در فکر تهیه و تدارک مقدمات تشکیل اتحادها و سندیکاهای کارگری گردند، تا سلاح مقدماتی و قانونی مبارزه اقتصادی به دست آید و البته باید در نظر گرفت که ایفای این امر هوشیاری، دقت و کوشش بسیاری را ایجاب می‌کند. همچنان باید مرام نامه و اساسنامه و فعالیت این نوع سازمان‌های توده‌ای به ترتیبی تنظیم شود که با قوانین موجود مطابقت کند، تا پولیس و مقامات دولتی نتوانند به بهانه مخالفت با قانون از تشکیل و فعالیت آن‌ها جلوگیری کنند.

- کارگران آگاهی که برای برآورده شدن مطالبات اقتصادی کارگران کار می‌کنند باید وضع مؤسسهٔ تولیدی و ساختمانی را دقیقاً مطالعه کنند و بر اساس خواست‌های بسیار ضروری و مشخص، تدریجاً میان رفقای کارگر خود اندیشهٔ قانونیت خواست‌ها، روحیه انضباط و همبستگی و اتحاد نظر و عمل دسته‌جمعی را تعمیم دهند، از قبیل افزایش معقول دستمزد، بهبود شرایط کار، محدود ساختن ساعات کار به حدود قانونی، تأدیه دستمزد اضافی به نسبت کار اضافی، بیمه در مقابل حوادث ناشی از کار و بیکاری و بیماری، جلوگیری از اخراج خلاف قانون و مقررات و قراردادهای کارگران، تأمین وسایل تأمیناتی در برابر کار و دیگر خواست‌های ضروری مطابق اوضاع و شرایط و وضع مشخص کار ... و غیره.

البته پس از آن که مطالبات معین در میان کارگران عمومیت پیدا کرد، آنگاه می‌توان با در نظر گرفتن شرایط، عمل دسته‌جمعی را با توجه به روحیه و حدود درک و مقاومت کارگران و انتخاب صحیح زمان، مطابق به شیوه‌های ذیل عنوان کرد:

ارسال نامه‌های دسته‌جمعی به مدیر و یا رییس مؤسسه تولیدی و یا ساختمانی، به وزارت صنایع و معادن، به مراجع حکومتی (ولسوال و یا والی)، مکاتیب سرگشاده به شوری و جراید، شکایت جمعی به مراجع حکومتی و مقامات قضایی، تعیین نماینده یا هیأت نمایندگی برای مذاکره و بحث با کارفرما یا آمر پروژه، دست کشیدن محدود از کار به‌عنوان اعتراض، اعتصاب کوچک (با تعیین زمان معین و محدود) و اعتصاب عمومی و غیره.

ولی در هر حال باید اعتصابات از چوکات انضباط کارگری به‌جانب ماجراجویی و هرج و مرج طلبی نگراید و حتی‌الامکان بهانه‌یی برای حمله متقابل ارتجاع داده نشود و شعارها از حدود معین شرایط مبارزه تجاوز نکند.

باید در نظر داشت که در این مرحله و در تحت شرایط موجود، عمل جمعی مسالمت‌آمیز و قانونی و خواست مشروع در صورت پیروزی خود (ولو جزئی هم باشد) وسیلهٔ نیرومندی برای تشکیل اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری و شناسایی رسمی حق اعتصاب کارگران در عمل و ایجاد شور و شوق کارگری به شمار می‌رود و گام به‌گام کارگران را به‌سوی مبارزه وسیع‌تر دموکراتیک جلب می‌کند، امر توسعه و تحکیم نهضت را به خاطر تحصیل آزادی‌ها و حقوق دموکراتیک عمومی خلق تسهیل می‌نماید و امکان قانونی را (در پهلوی دیگر امکانات، اشکال و صورت‌های مبارزه مطابق به شرایط که باید از نظر دور نداشت) برای توسعه جنبش وسیع سیاسی و ایدیولوژیک خلق کارگر تهیه و تدارک می‌بیند.

نتیجه:

تجربیات چند ماه اخیر نهضت کارگری کشور و نتایج حاصلهٔ از آن، مبین این حقیقت است که کارگران پیشرو و پیشتاز کشور اولین ضربه را به ارتجاع سیاه وارد ساختند که در اثر آن نخستین نور آزادی بر خلق رنجدیده افغانستان تابیدن گرفت.

اکنون بار دیگر هیأت حاکمه کشور علیه ابتدایی‌ترین آزادی‌های مردم دست به تعارضاتی زده و باز هم در فکر توطیه‌یی وسیعتر است. فیودال‌ها، سوداگران بزرگ دلال، مأموران بزرگ ملاک و تاجر پیشه رشوه‌ستان مواضع خود را مستحکم می‌سازند و در همه جا بر کارگران، دهقانان، محصلان، کارگران دفاتر (مأموران پایین رتبه) ظلم و ستم روا می‌دارند و در اطراف و اکناف کشور، در همه جا اعمال خودسرانه و استبداد قرون وسطایی مقامات حاکمه به مشاهده می‌رسد و مردم تحقیر می‌شوند.«ولی درس‌های تلخ به هدر نخواهد رفت» خلق افغانستان دیگر آن خلق بی‌حال و خواب آلود نیست. کارگران جوان وطن و ایدیولوژی پیشرو عصر ما«شیوه مبارزه را به آن‌ها می‌آموزد و آنان را به‌سوی پیروزی رهنمون خواهد بود.»

در نتیجهٔ این درس‌های اعتصابی و پیشروی روزافزون نهضت کارگری کشور، به بانگ رسا اعلام می‌داریم که پیکار قطعی هنوز در پیش است و در تقابل ما ارتجاع با تمام نیرویش قرار گرفته است. لذا ضرورت حکم می‌نماید که هرچه زودتر به عمل خود به خودی و«غیرآگاهانه» نهضت کارگری خاتمه داده شود و تلاش پیگیر به عمل آید تا نقش تیوری مترقی و«عناصر آگاه» به‌مثابه رهنمون نهضت خود به خودی کارگری بسط و توسعه یابد.

قانون عینی تکامل جامعه حکم می‌نماید که طبقه کارگر افغانستان به پیش‌آهنگی سازمان واحد و متمرکز سیاسی خود رشد و تکامل خواهد کرد و از تجارب خود درس خواهد گرفت؛ در جریان نهضت از پیچ و خم‌های مبارزه آگاه‌تر، دلیرتر، هوشیارتر، مؤثرتر، آبدیده‌تر و سربلندتر برون خواهد آمد و پرچم پیروزی و آزادی را بر خواهد افراشت؛ مبارزه اقتصادی و مبارزه عمومی سیاسی را علیه طبقه حاکمه ارتجاعی کشور در پیشاپیش نهضت آزادی‌بخش با هم در خواهد آمیخت؛ در جریان مبارزه برحسب رسالت تاریخی خویش نهضت دموکراتیک و ملی افغانستان را رهبری (هژمونی) خواهد کرد، با اتحاد نزدیک با دهقانان و دیگر نیروهای دموکراتیک و«عناصر زنده و پاکدامن» کشور آن را به آخر خواهد رساند و«باید هم به آخر برساند»، پایگاه‌های ارتجاع را در سراسر کشور منهدم خواهد ساخت، یوغ استبداد و مقاومت هیأت حاکمه مطلقه و ارتجاعی را درهم خواهد شکست و سرانجام نظام نوین و مترقی دموکراتیک خلق و جامعه سوسیالیستی را، که به‌مثابه آرمان و هدف غایی ماست ایجاد خواهد کرد.

پرچم

د افغانستان د خلک دموکراتیک ګوند ارګان خپروونکی

۲۹ میزان ۱۳۴۷

سیمای جهان

در هفته گذشته

ملل‌متحد:

نیویارک: بناغلی عبدالرحمن پژواک نمایندهٔ افغانستان در ملل‌متحد طی بیانیه‌یی مبارزه خلق پښتونستان را در راه حق تعیین سرنوشت خویش مطرح و جنگ پلید ویتنام را شدیداً محکوم کرد.

وی خروج فوری عساکر اسراییل را از خاک‌های اعراب تقاضا نمود.

او گفت: اگر سازمان ملل‌متحد اقدام فوری و جدی نکند، حیثیت و اعتبار ملل‌متحد لطمه خواهد دید.

- محمود ریاض وزیر خارجهٔ جمهوریت عربی متحد در سازمان ملل‌متحد اظهار داشت: امپریالیزم امریکا در شرق میانه و شرق دور مداخلات زیاد می‌کند. او این سیاست امریکا را مورد انتقاد شدید قرار داده و گفت امریکا در شرق دور (ویتنام جنوبی) از یک دسته عناصر مستبد و ظالم حمایه می‌کند که ایشان حتمی به وطن و مردم خود خیانت می‌کنند.

در شرق میانه از یک دسته عناصر ماجراجو پشتیبانی و آن‌ها را تقویه می‌نماید و به اثر همین پشتیبانی و تقویه است که اسراییلی‌ها سرزمین اعراب را غضب کرده‌اند.

هفتهٔ همبستهگی با خلق ویتنام:

بر اساس فیصله کنفرانس فوق‌العاده سازمان همبستهگی خلق‌های افریقا و آسیا و بنا بر دعوت شورای صلح جهانی (از ۱۵ تا ۲۱) اکتوبر (۲۳ تا ۲۹) میزان، هفتهٔ همبستهگی با خلق قهرمان و مبارز ویتنام برگزار شد. این برگزاری در سراسر جهان، به‌خصوص در کشورهای سوسیالیستی و سازمان‌های مترقی و انقلابی جهان تجلیل گردید.

* * *

در یمن جنوبی: حکومت تودهیی یمن جنوبی تصمیم گرفته است تا برای تمام دهقانان بی زمین، زمین توزیع کند و جهت تقویهٔ بنیه مالی دهقانان وام‌های مناسب برای دهقانان بدهد.

رژیم جدید یمن جنوبی زمین‌های زیادی را بین دهقانان توزیع کرد و جهت تقویه امور زراعت یک بانک بزرگ زراعتی تأسیس نمود.

درند روز اخیر، ۹۴۲ خانواده ار همه زمین‌های توزیع شده استفاده کرده، برای هر خانواده ۵ ــ ۳ هکتار زمین داده شده است. این زمین‌ها از فیودال‌های سابق بود.

* * *

مسکو:

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی حسب معمول شعارهای عنعنوی خود را به مناسبت پنجاه و یکمین سالگرهٔ انقلاب اکتوبر انشار داد. این شعارها مهمترین مسایل بین‌المللی و حیات داخلی اتحاد شوروی را در بر می‌گیرد.

بسیاری از شعارها خطاب به ملل آسیا، افریقا و امریکای لاتین می‌باشد. در یکی از از شعارها گفته می‌شود: «زنده و مستحکم باد اتحاد نیروهای سوسیالیزم و جنبش آزادی‌بخش – مقدمه پیروزی در مبارزه خلق‌ها علیه امپریالیزم، به خاطر استقلال ملی، آزادی، دموکراسی و سوسیالیزم » -

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی تقویهٔ همبستهگی خلق شوروی را با ملل عرب که «علیه تجاوز امپریالیزم، به خاطر بیرون کشیدن عساکر تجاوز کار اسراییلی از مناطق اشغال شده اعراب مبارزه می‌کنند، اعلان می‌نمایند.»

«ملل جهان! با تصمیم قاطع از دولت ایالات متحدهٔ امریکا می‌خواهد که به جنگ تجاوزکارانه خویش علیه ملت آزادی دوست ویتنام فوراً خاتمه دهد.»

در شعارها به خلق‌های دول ملی جوان، خلق‌های کشورهای مستعمره و وابسته که در راه آزادی و استقلال ملی مبارزه می‌کنند، مبارزین راه آزادی که در زندان‌های ارتجاع و فاشیزم به سر می‌برند، درود فرستاد شده است.

در شعارها به خلق‌های کشورهای سوسیالیستی و سیستم جهانی سوسیالیستی درود و شادباش گفته شده است.

خلق‌های کارگر کشورهای سوسیالیستی تشویق گردیده تا در راه تقویه دوستی و اتحاد و مبارزه کنند و در برابر دسایس دشمنان سوسیالیزم هوشیار باشند. و همچنان در شعارها به طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری درود فرستاده شده است.

- در روزهای ۱۴ ــ ۱۵ اکتوبر بین نمایندهگان دولتی اتحاد شروی و چکوسلواکیا مذاکراتی در فضای صمیمیت و رفیقانه به‌عمل آمد و بر یک سلسله مسایل مورد علاقه، من‌جمله اقامت عساکر شوروی فیصله به عمل آمد.

بین زعمای اتحاد شوروی و چکوسلواکیا قراردادی را به اقامت نیروهای شوروی در چکوسلواکیا به امضا رسید که مجلس شورای ملی چکوسلواکیا نیز آن را تصویب کرد.

- پودگورنی طی پیامی از رییس جمهور اندونیزیا خواهش نموده که حکم اعدام عناصر مترقی اندونیزیا را لغو کند.

* * *

مطبوعات لبنان فروش طیارات نوع فانتوم به اسراییل را مورد بحث قرار دادند

روزنامه «الدنیا» می‌نویسد که ایالات متحده در نظر دارد طیارات جت جنگی ماورای سرعت صوت نوع فانتوم را خود را بالای اسراییل به فروش برساند و این امر نشان می‌دهد که امپریالیزم امریکا به‌طور علنی به تجاوزکاران اسراییلی کمک می‌کند و این کمک از اجرای فیصله نومبر شورای امنیت راجع به بحران شرق میانه جلوگیری می‌نماید.

روزنامه می‌نویسد که ایالات متحده خواست توسعه طلبی و نقشه‌های تجاوزکارانه اسراییل را تشویق می‌نماید. امپریالیزم امریکایی اعراب را با جت های جنگنده و کشتی‌های خویش تهدید می‌نماید ایلات متحده به‌طور کامل مسؤول خون‌ریزی‌ست که در شرق عربی جریان دارد.

روزنامهٔ «لبیرق»می‌نویسد: که تصمیم پریزیدنت جانسن در بارهٔ تهیه نمودن جت جنگی فانتوم به اسراییل تمام مساعی حل صلح‌جویانه پروبلم شرق میانه را خنثی می‌نماید.

روزنامه «الشهاب»می‌نویسد: که این اقدام رییس جمهور امریکا ماموریت نمایندهٔ مخصوص سرمنشی ملل‌متحد بناغلی یارینگ را به ناکامی مواجه می‌سازد و ضربه‌ایست در برابر شورای امنیت.

اشغال مناطق عربی که از طرف اسراییل باعث آن شده که (۵۲۵۰۰۰) عرب آواره گردد. در مناطق تحت اشغال وضع روز به‌روز خراب‌تر شده می‌رود، محابس از اعراب پر شده است. پولیس اسراییل به دختران و زنان عرب تجاوز می‌کنند و اموال شان را غارت می‌نمایند.

کمیسیون آوارهگان ملل‌متحد از بناغلی اوتانت سرمنشی ملل‌متحد خواهش کرده است که جهت جلوگیری از خودسری‌های اسراییل و بهبود وضع اقدامات فوری به‌عمل آورد.

کارفرمایان اخلاگر در برابر کارگران دست به تهدید و شانتاژهای جدید می‌زنند

از چندی به این‌طرف کارفرمایان فابریکات نساجی، با استفاده تز ضعف دستگاه حکومت، به همکاری عناصر مرتجع و دست راستی دولت، به صورت مزدورانه، انتبهی به دستگاه دولت دادند که گویا امنیت، نظم و حتی قدرت اداره، در اثر اعتصاب‌های کارگران از بین رفته و دیگر ممکن نخواهد بود، بدون ایجاد رعب و اعمال تشدد محدداً امور کشور را تحت کنترول درآورد.

آقایان بالانشین محافل حاکمه که هیچگونه رابطیی با خلق کارگر کشور ندارند، این حرف‌های فتنه‌انگیز را می‌شنوند و دساتیر خود را بر اساس آن صادر می‌نمایند و به خاطر یکعده آسوده حالان استثمارگر و ارضاً آنان، بهترین و وفادارترین فرزندان وطن را که با عرق پیشانی و خون دل در اعمار کشور مصروفند، مورد سرزنش، تحقیر، حبس، اخراج از کار و ... قرار می‌دهند. این روش در برابر کارگران حوزه‌های صنعتی شبرغان، کندز، گلبهار، جنگلک و پلخمری بیش از همه تطبیق می‌گردد.

چناجه درین اواخر عدهیی از کارگران اخراج شده از نساجی پلخمری را از خانه‌ها به شکل فجیعی می‌رانند. این کارگران که به صورت غیرمترقبه منفک شده‌اند و فرصتی برای ترک خانه‌ها ضرورت دارند، توسط«پولیس امنیه»از خانه‌ها رانده می‌شوند و اگر جزئی‌ترین مقاومتی از خود نشان دهند، کالا و لوازمشان از خانه به جاده پرتاب می‌شود و درین مورد هیچگونه ملحوظی از«قانون، دیانت، آدمیت، هموطنی و غیره»ایکه استعمارگران مدعی آنند جلو بی‌رحمی و خودسری ایشان را گرفته نمی‌تواند.

علاوهٔ کارفرمایان نساجی کارگران شبکار را روزانه، و کارگران روزکار را شبانه از خانه‌های‌شان توسط پولیس، به صورت تهدیدآمیز، حضار نموده و برایشان اعلام می‌کنند که: «ما کلان‌ها و افسقال‌های شما را در به در و اخراج کردیم و اگر اندکترین حرکت خلاف منافع مؤسسه از شما سر بزند، شما را نتنها از کار برطرف خواهیم کرد، بلکه زندان هم در خدمت شما خواهد بود و هیچ قدرتی نمی‌تواند شما را نجات دهد. »

سؤال اساسی این است که در همچو وضع ماجراجو، خلاگر، قانون شکن و ناقض امنیت کیست؟ مسلماً کارفرمایان و سوداگران دلال و کمپرادور و بروکراتان ستمگر و رشوه‌ستان!

اعتصاب محصلان پولی‌تخنیک به خاطر بهبود شرایط تحصیلی

خبریال پرچم از پولی‌تخنیک اطلاع می‌دهد که به‌روز شنبه (۲۰ میزان) محصلان وطن‌پرست این مرکز نوین علمی در صحن آن انستیتوت اجتماع نموده و ضمن بیانیه‌های پر حرارتی تصمیم گرفتند تا به خاطر بهبود شرایط تحصیل، به خصوص تأمین کریدت درسی به اعتصاب مصالمت آمیز دست بزنند.

فردای آن (۲۱ میزان) محصلان پولی‌تخنیک طی قطعنامه‌یی به ریاست انستیتوت خاطرنشان کردند که اگر به خواست‌های اصولی صنفی‌شان جواب مثبت داده نشود، مسؤولیت آن به عهده اداره پولی‌تخنیک خواهد بود.

معهذا ریاست پولی‌تخنیک طی اعلان غیر رسمی که به‌روز سوم اعتصاب کرد، نتوانست به این موضوع برخورد درست و مثبت نماید.

بنا بر آن محصلان قطعنامه دیگری صادر و آن را توسط نمایندهگان منتخب خویش به ریاست پولی‌تخنیک سپردند که تا کنون مقامات مسؤول به آن جواب مقنع و مثبت نداده‌اند.

در جریان اعتصاب رییس پولی‌تخنیک ضم مصاحبه‌یی که با خبرنگار کاروان (شماره ۲۲ میزان) انجام داد اعتراف کرد که: ...«در پوهنځی انجنیری فعلاً سیستم کریدت به‌طور امتحانی تطبیق می‌شود. ...»

محصلان می‌گویند: به هر حال اعم از«امتحانی»و یا استثنایی، اصولاً محصلان پولی‌تخنیک نیز باید از عین کریدت برخوردار باشند. محصلان پولی‌تخنیک همبستگی و اتحاد خود را با پوهنځی انجنیری و زراعت اعلان داشته‌اند و علاوه می‌کنند که«اعتصاب ما روی پرنسیپ است نه علیه محصلان وطن‌پرست و هم صنف ما پوهنځی انجنیری.»

مضحک است! در یک پوهنتون دو شیوه و دو برخورد متضاد (!) که در نتیجه باعث تفاوت میان محصلان وطن‌پرست و پوهنځی انجنیری و پولی‌تخنیک گردیده است.

محصلان پولی‌تخنیک به جواب این ادعا که می‌گویند: ...«طبقه ناکامان پولی‌تخنیک دست به اعتصاب زده و دیگران را نیز به‌سوی خود می‌کشند»تصریح می‌کند:«این ادعا از ریشه غلط است. تمام محصلان پولی‌تخنیک بدون در نظر گرفتن کوچکترین اختلاف درسی و ایدیولوژیک، با اتحاد و همبستگی کامل و استواری اصولی به شکل مسالمت آمیز درین اعتصاب شرکت دارند»چنانچه ضمن سخنرانی‌های خویش بارها تصریح کرده‌اند که:«پیگیری، استواری و اتحاد راز پیروزی در مبارزه ماست، وحدت و فشرده‌گی صفوف خود ر چون مردمک چشم حفظ می‌کنیم.»

خبرنگار پرچم علاوه می‌کند که محصلان پولی‌تخنیک همه روزه از ساعت ۸ صبح تا ۱۲ ظهر با شور و شوق در متینگ‌ها ضمن بیانیه‌ها و اشعار پرشور و الهام‌بخشی خواست‌ها و هدف‌های مشترک صنفی خویش را در مورد تأمین سیستم کریدت درسی بدون امتیاز، برای همه پوهنځی‌ها، تشکیل اتحادیه محصلان و انتقاد از آن قسمت از مواد قانون پوهنتون که ضد آزادی‌های مصرح در قانون اساسی می‌باشد، تصریح و اعلان می‌نمایند.

اعتصاب محصلان پولی‌تخنیک تاکنون (شنبه ۲۷ میزان) که این خبر را به چاپ می‌سپاریم با همبستگی و اتحاد نظر و عمل و استواری ادامه دارد و محصلان آگاه، وطن‌پرست هیچگونه تفتین، تفرقه و اختلافات را در میان خود اجازه نمی‌دهند.

پرچم: مستحکم باد اتحاد و همبستگی محصلان کشور!

محصلان پوهنځی زراعت دست به اعتصاب زدند

اعتصاب محصلان پوهنځی زراعت که به تاریخ ۱۶ میزان اغاز شده بود تا هنوز (شنبه ۲۷ میزان) ادامه دارد، شاگردان روی مطالبهٔ صنفی خود که «سیستم کریدت»در امتحانات را می‌خواهند، هنوز جداً پافشاری و اصرار می‌ورزند.

پوهنځی زراعت در شرایط کشور ما یکی از مهم‌ترین پوهنځی‌ها بوده و محصلان آن اغلب فرزندان زحمتکشان می اطراف و روستاهای کشور می‌باشند.

شاگردان ضمن مطالبهٔ خود می‌گویند: علی‌رغم آن که این پوهنځی مانند پوهنځی با پوهنتون«وایگمنگ»امریکا توأمیت دارد، ولی در مورد امتحانات به صورت استثنایی از«سیستم کریدت»محروم شده و تابع سیستمی گردانیده شده است که عدم موفقیت محصلان را با وصف کوشش‌های زیاد و آماده‌گی‌های متداوم محصلان تقریباً به ۵۰ فیصد مشمولین پوهنځی بالا برده است.

قرار معلوم محصلان با برخی از مسؤولین پوهنتون مذاکره کرده‌اند ولی قناعت‌شان فراهم نشده، و نیز مراجعه آنان به وزارت معارف به نتیجه‌یی نرسیده است. یک اطلاع دیگر می‌رساند که وزیر معارف مراجعهٔ دسته‌جمعی محصلان را رد نموده و حاضر نشده است با ایشان وارد گفتوگو شود.

محصلان ضم میتنگ‌هایی که در طول اعتصاب دایر نموده‌اند، همه گر را به ضرورت اتحاد نیرومند به خاطر رسیدن به مطالبهٔ عادلانهٔ خود متوجه ساخته و پیهم اعلام کرده‌اند که تا گرفتن نتیجه، متحدانه به مقاومت و مطالبهٔ خود ادامه خواهند داد.

اتحاد و همبستگی محصلان پوهنځی زراعت مایه تقدیر و ستایش همگانی و ضامن پیروزی در بهبود شرایط تحصیلی آنان‌ست.

په خوست کی د میخانیکی او دارالمعتمین ښونځیو اعتصاب وکړ

له پکتیا نه را رسیدلی خبر وایی چه د میزان په ۱۴ او ۱۵ نیټه د خوست د دارالمعمین او میخانیکی ښونځیو شاګردانو د ځینی صنفی غوښتنو له کبله اعتصاب وکړ او ټولو زدهکونکو د احتجاج په توګه د میزان په ۱۴ نیټه په ښوونځیو کی د غرمی دډډی له خوړلو نه ډډه وکړه.

خبر زیاتوی چه دا اعتصاب وروسته په مظاهره بدل شو او په پای کی زده کونکو یوه پنځلس فقرهیی قطعنامه صادره کړه او له حکومت نه یی غوښتنه وکړه چه د قطعنامی مواد په نظر کی ونیسی او د زده کونکو مشکلات رفع کاندی.

د قطعنامی په یوه ماده کی ویل شویدی چه جرمنی معلمان سم کار نکوی.

(د لومړی مخ پاتی)

د ملګرو ملتو په تولنه کی ...

امپریالیزم دا راز هواداران له نورو متجاوزینو او منحرفینو سره یو ځای د تاریخ د بدنامانو هدیرې ته سپاری. د پښتونستان او بلوچستان ریښتونی او واقعی نمایندهګان هغه کسان دی چه له نیمی پیړی را په دیخوا د ټول هندوستان بیا په تیره د پښتونستان او بلوچستان د خلکو د ملی آزادی بخشونکی نهضت په ګټه او د برتانیی او دهغه د خلف پاکستان د استعمار او امپریالیزم او امریکی د متحده ایالاتو په مشری د سیتو او سنتو په وجود کی د جهانی امپریالیزم پر ضد، د مبارزی په لومړی صف کی دریدلی دی.

مورږ پداسی حال کی چه د پښتونستانیو او بلوچستانیو ورونو خلکو د سرنوشت د ټاکلو د حق کلک ملاتړ خپله ملی او بین‌المللی وظیفه بولو ډاډ ورکو چه پدی لاره کښی به د پښتونستانیو اوبلوچستانیو ورونو خلکو سره په یوه سنګر کی ارخ په ارخ وجنګیږو او له دموکراتیک آزادی بخشونکی انقلابی مبارزهٔ د استعمار استبداد او ارتجاع پر ضد په یوه پراخه جبهه او سنګر کی پر مخ بوزو.

واشنګتن:

قهرمانان صلح در خارج قصر سفید در «لافایت پارک»بر جادهٔ که از قصر سفید می‌آید، به طرفداری از مارش اعتراضیه افراد نظامی و متقاهدین کالیفورنیا علیه جنگ ویتنام به مظاهره پرداختند.

این مظاهر از جانب «لیگ افراد نظامی برای آزادی و صلح»که در این اواخر در واشنگتن، به منظور حمایت از افراد پایگاه هوایی اندژیوز که از اشتراک در جنگ ویتنام ابا می‌ورزند، تأسیس شده، تنظیم گردیده است. مظاهر ضد جنگ در افراد نظامی اردوی امریکا دوشادوش مبارزه در راه حقوق مدنی پیش می‌رود.

در تابستان گذشته سربازان سیاه‌پوست واقع فورت هود از اجرای ماموریت جزایی علیه مظاهره مسالمت‌آمیز شیکاگو امتناع ورزیدند.

- پرتاب اپولوی ۷ موفقیت بزرگ دانشمندان امریکایی به شمار می‌رود. برای تکمیل این سفینه ۴۰۰ ملیون دالر مصرف شده است.

پرچم

هره دوشنبه خپریږی

د امتیاز خانوند او مسوول مدیر:

سلیمان لایق

آدرس: غوثی مارکیت. محمد جان خان واټ

کابل – افغانستان

د یوی ګنی بیه: ۲/۵۰ – افغانی

دولتی مطبعه

اگر راست باشد قابل محاکمه است

می‌گویند مأموران موظف دولت‌آباد که مامور خریداری ۱۵۰۰۰۰ سیر (هر سیر دولت آباد دو سیر کابل است) گندم به صورت خوش خرید می‌باشند، گندم مذکور را فی سیر ۵۴ – ۵۵ – ۵۷ – افغانی از مردم خریداری می‌کنند و فی سیر هفتاد افغانی از دولت مجرایی می‌گیرند. ما در مورد این گفته تأمل می‌کنیم، ولی موضوع را جداً قابل تحقیق و بازپرس و مسؤولین را قابل محاکمه می‌دانیم.

تایپ متن ویرایش: عمر فیض

ویرایش پرچم هرگونه نشانی که پرچم مبارزه را به زیر نخواند